



وزیر خارجه اوکراین:  
بازگشت نیروهای نظامی  
روسیه از مرز اوکراین، برای  
کاهش بحران کافی نیست



## یک استاد دانشگاه و چهار نظامی توسط تفنگداران ناشناس در کابل ترور شدند

صفحه ۲

کابل‌نان؛

### خلاصه‌ی زندگی یک زندانی آزاد

صفحه ۳

تابوی طلاق در افغانستان؛

### زنانی که مرگ را از طلاق بهتر می‌دانند

صفحه ۴

### بازار داغ شایعات

### علیه واکسین فلج کودکان

سالانه ۶۰ هزار کودک به‌دلیل  
شایعات نادرست از واکسین پولیو  
در افغانستان محروم می‌شوند



صفحه ۷

یادداشت روز

## طالبان و ناتوانی درک زبان دیپلماسی

به‌دلیل خودداری طالبان از شرکت در نشست  
استانبول، این گفت‌وگوها تاکنون دوبار به  
تعویق افتاده است. در حالی که قرار بود کنفرانس  
استانبول در ۲۴ اپریل به میزبانی ترکیه،  
قطر و سازمان ملل برگزار شود، اما به‌دلیل  
شرکت نکردن طالبان به تعویق افتاد. گفته شده  
این نشست بعد از ماه رمضان برگزار خواهد شد،  
اما تاریخی برای تعیین نشده است. موضع  
طالبان نیز هنوز تغییر نکرده و روشن نیست  
که این گروه به میز مذاکره برمی‌گردد یا نه.  
این گروه سیاست مذاکرات فرسایشی در پیش  
گرفته است. این که طالبان گفته‌اند تا زمانی که  
همه‌ی نیروهای خارجی از افغانستان خارج  
نشوند، حاضر نیستند در کنفرانس استانبول  
شرکت کنند، در واقع تاکتیکی برای گریز از  
مذاکرات است. با خروج نیروهای خارجی  
اطمینانی وجود ندارد که طالبان متعهد به  
مذاکره و صلح بمانند.

نشست روز جمعه‌ی وزرای خارجه افغانستان،  
پاکستان و ترکیه نوعی تلاش تازه برای  
قانع کردن طالبان برای برگشت به میز مذاکره  
است...

۲

## پاسخ محب به نگرانی‌ها در مورد خروج نیروهای خارجی از افغانستان: بر وضعیت کنترل داریم



۲

وزارت صحت:

### برای مهار موج سوم کرونا آمادگی‌های لازم گرفته شده است

اطلاعات روز: همزمان با افزایش موارد ابتلا به ویروس  
کرونا در کشور، وزارت صحت عامه می‌گوید که  
وضعیت شیوع این ویروس را تحت کنترل...

۲

### کرونا و «وخامت» وضعیت ۲۵ استان ایران؛ پروازهای هند و پاکستان لغو شد



۶

تحلیل ۴

### نشست استانبول؛

### فرصت تاریخی و مهم برای عبور از تمرکزگرایی

پیشینه‌ی طرح عبور از نظام سیاسی متمرکز و ایجاد  
نظام غیرمتمرکز در افغانستان به دهه‌ی ۵۰ خورشیدی  
برمی‌گردد. نخستین گروه سیاسی که برای اولین بار طرح  
غیرمتمرکزسازی و مشخصاً فدرالی شدن نظام سیاسی  
افغانستان را مطرح کرد، مجموعه‌ای بود که...

ترجمه ۵



### تاریکی بر فراز کابل

ماجرای افغانستان دست‌کم تا جایی که به نظامیان غربی  
مربوط می‌شود، در حال پایان است. اگر رییس‌جمهور  
بایدن به زمان‌بندی خود پابند بماند، آخرین سربازان  
غربی قرار است در ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۱، درست دو دهه  
پس از حمله القاعده به مرکز تجارت جهانی در شهر  
نیویورک، افغانستان را ترک کنند...

### چهار غیر نظامی در انفجار ماین در شهر غزنی کشته شدند



۲

گزارش

### طالبان شاهراه هرات- بادغیس را مسدود و آنتن‌های مخابراتی را قطع کردند

گروه طالبان از سه روز به این طرف شاهراه هرات-  
بادغیس را به روی موترهای باربری در منطقه‌ی بند  
سبزک مسدود کرده‌اند. گفته می‌شود هدف از این  
کار طالبان تحریم اقتصادی ولایت بادغیس است. این  
مسیر از روز پنج‌شنبه، ۲ ثور تاکنون مسدود است و  
باعث توقف ده‌ها موتر باربری در نزدیک بند سبزک  
شده است. از طرف دیگر، آنتن‌های مخابراتی به‌دلیل  
تهدید طالبان غیرفعال شده و این گروه هشدار داده  
است که لین برق وارداتی ترکمنستان به این ولایت  
را نیز قطع می‌کند.  
اما حسام‌الدین شمس، والی بادغیس در گفت‌وگو با  
روزنامه اطلاعات روز اطمینان می‌دهد که با ایجاد  
چندین قرارگاه نیروهای دولتی در مسیر...

۳

## بسته‌های ویژه اینترنتی برای بلاک‌های رهائشی و خانه‌های انفرادی



AFGHANET







## نشست استانبول؛

# فرصت تاریخی و مهم برای عبور از تمرکزگرایی

طول پنج سال این توافق نامه در روی کاغذ باقی ماند و هیچ یک از ماده‌های آن در عمل تطبیق نشد. اگر توافق نامه‌ی سیاسی حکومت وحدت ملی در صحنه‌ی عمل اجرا می‌شد، از یک طرف زمینه برای عبور از تمرکزگرایی و ایجاد یک نظام مردم‌سالار در کشور مساعد می‌گردید و از جانب دیگر رهبران حکومت وحدت ملی می‌توانستند تعهداتی را که به جامعه‌ی جهانی و وعده‌های را در که جریان کارزارهای انتخاباتی به مردم سپرده بودند، عملی نمایند. همچنین، جنجالی شدن نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۹ نیز فرصت و زمینه را برای تغییر نظام سیاسی کشور فراهم کرد. اما با تأسف این چانس نیز مانند فرصت‌های گذشته از دست رفت و نظام ریاستی متمرکز همچنان بر سرنوشت مردم حاکم باقی ماند.

در حال حاضر تمرکزگرایی بزرگترین چالش در کشور تلقی می‌شود. جنگ و ناامنی، بی‌عدالتی و نابرابری، تعصب و تبعیض، شکاف‌های قومی و عدم انکشاف متوازن، فساد و بحران‌های دیگر ریشه در

در حال حاضر اکثریت مطلق احزاب و جریان‌های سیاسی، نهادهای مدنی، قشر زنان و جوانان و سایر شهروندان خواستار استقرار نظام غیرمتمرکز در کشور هستند. می‌توان گفت که در شرایط کنونی عبور از نظام متمرکز و بسته، به یک داعیه و هدف مشترک شهروندان افغانستان مبدل شده است.

قابل یادآوری است که برگزاری چند دور انتخابات ریاست‌جمهوری در کشور و جنجال‌ها و بحران‌های ناشی از آن، بستر و زمینه را برای تغییر نظام سیاسی کشور مساعد ساخت. اما از فرصت‌های پیش‌آمده استفاده درست و بهینه صورت نگرفت. پس از بحرانی شدن نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۴ و ایجاد حکومت وحدت ملی و پست ریاست اجرائیه، مهمترین گام عملی در راستای شکستادن طلسم تمرکزگرایی در کشور برداشته شد. برگزاری لویه جرگه تعدیل قانون اساسی و ایجاد پست نخست‌وزیری، از ماده‌های درشت توافق نامه‌ی سیاسی شکل‌گیری حکومت وحدت ملی بود. اما متأسفانه در

در دو دهه‌ی پسین و مشخصاً طی چندین دور انتخابات ریاست‌جمهوری گذشته، بحث تمرکززدایی از ساختار قدرت به‌گونه‌ی بسیار روشن و رسمی مطرح شده است. در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۰۹، ۲۰۱۴ و ۲۰۱۹ تیم‌های انتخاباتی رقیب با دو شعار و روایت متضاد وارد میدان رقابت‌های انتخاباتی شدند؛ تیم انتخاباتی دکتر عبدالله با شعار نظام غیرمتمرکز و تیم‌های انتخاباتی حامد کرزی و محمدآشرف غنی با شعار نظام متمرکز. مخصوصاً در انتخابات ۲۰۱۴ و ۲۰۱۹، دکتر عبدالله داعیه‌دار روایت تمرکززدایی و نامزد رقیبش محمدآشرف غنی حامی روایت تمرکزگرایی در کشور بوده است.

لویه جرگه قانون اساسی و برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری گردید که در فرآیند آن، قانون اساسی جدید برای کشور ساخته شد و حامد کرزی به‌عنوان رئیس‌جمهور افغانستان انتخاب گردید. قانون اساسی کنونی افغانستان بسیار عجولانه و تحت تأثیر شرایط داخلی و الزامات و مقتضیات بین‌المللی تدوین گردید. به‌عبارت دیگر، شرایط بحرانی و اضطراری کشور و فضای ناشی از حضور جامعه‌ی جهانی و کشورهای غربی در افغانستان پروسه‌ی تدقیق، تسوید و تصویب قانون اساسی جدید را تحت تأثیر قرار داد. در رابطه به لویه جرگه‌ی قانون اساسی، سه نکته زیر قابل درنگ است:

نخست: پیش از برگزاری لویه جرگه، دو کمیسیون برای «تسوید و تدقیق» قانون اساسی ایجاد گردید که بخشی از وظایف این کمیسیون‌ها بررسی دیدگاه مردم در پیوند به نوعیت نظام سیاسی بود. این کمیسیون‌ها جهت دریافت دیدگاه مردم در رابطه به نوعیت نظام سیاسی، پرسش‌نامه‌های را ترتیب و توزیع نمودند. براساس یافته‌های این نظرسنجی، ۷۵ درصد مردم خواهان استقرار نظام پارلمانی در کشور بودند.

دوم: همچنین اعضای کمیسیون‌ها با توجه به کارآیی و پیشینه‌ی خوب نظام پارلمانی، طرفدار ایجاد این نظام در کشور بودند.

سوم: وظیفه کمیسیون‌های یادشده این بود که چندین پیش‌نویس نظام‌های سیاسی را ترتیب و به لویه جرگه‌ی قانون اساسی ارائه کند، اما این کار عملی نشد و فقط پیش‌نویس نظام سیاسی ریاستی به لویه جرگه پیشکش گردید. این تصمیم کمیسیون‌ها، ناراضی‌ی جدی ۲۷۰ تن از مجموع ۵۰۰ تن نماینده لویه جرگه را در پی داشت. نمایندگان معترض روند رأی‌گیری را تحریم کردند. اعضای لویه جرگه‌ی قانون اساسی به‌صورت بسیار روشن به دو دسته تقسیم شدند؛ دسته‌ی نخست، طرفداران نظام غیرمتمرکز پارلمانی و دسته‌ی دوم حامیان نظام متمرکز ریاستی بودند. اما اعتراضات به‌جای نرسید و در نهایت از طریق پادرمیانی و دخالت سفیر و نماینده‌ی ایالات متحده‌ی امریکا، نظام متمرکز ریاستی بر نمایندگان مردم تحمیل شد.

### خان‌زمان مدیر

موضوع چگونگی نوعیت نظام در افغانستان، یک بحث جنجال‌برانگیز و در مقاطع مختلف تاریخی یک گفتمان جدی بوده است. مسأله‌ی تغییر نظام سیاسی در افغانستان یک بحث تازه نیست و پیشینه‌ی آن به درازنای تاریخ این کشور بازمی‌گردد. براساس شواهد تاریخی، پیشینه‌ی طرح عبور از نظام سیاسی متمرکز و ایجاد نظام غیرمتمرکز در افغانستان به دهه‌ی ۵۰ خورشیدی برمی‌گردد. نخستین گروه سیاسی که برای اولین بار طرح غیرمتمرکزسازی و مشخصاً فدرالی شدن نظام سیاسی افغانستان را مطرح کرد، مجموعه‌ای بود که توسط محمدطاهر بدخشی رهبری می‌شد. برینیا گزارش‌ها، اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان نیز مستقیم یا غیرمستقیم از طرح غیرمتمرکزسازی نظام افغانستان پشتیبانی کرده‌اند. در زمان دولت اسلامی به رهبری پروفیسور استاد برهان‌الدین ربانی، شهید استاد عبدالعلی مزاری اولین رهبر سیاسی بود که طرح ایجاد نظام فدرالی در افغانستان را مطرح کرد. او یگانه راه‌حل عبور از جنگ، منازعه و بحران را ایجاد نظام فدرالی در کشور می‌دانست. همچنین، مارشال عبدالرشید دوستم، رهبر حزب جنبش ملی اسلامی هم چندبار در سخنرانی‌هایش گفته است که تنها راه نجات افغانستان ایجاد نظام فدرالی است. دکتر لطیف پدram، رهبر حزب کنگره‌ی ملی نیز همواره از ایجاد نظام فدرالی در افغانستان سخن زده و از این نظام حمایت کرده است. برعلاوه، از سال ۲۰۰۱ بدین سو و مخصوصاً طی چند دور انتخابات ریاست‌جمهوری گذشته، بحث تمرکززدایی از قدرت بیشتر برجسته شده و به یک گفتمان غالب و به خواست اساسی اکثر احزاب و جریان‌های سیاسی، نهادهای مدنی و شهروندان افغانستان مبدل شده است.

اساس نظام متمرکز کنونی پس از سقوط رژیم طالبان و در اجلاس بن در ۲۰۰۱ گذاشته شد. کنفرانس بن در واقع حیثیت سند مؤسس را در ایجاد نظام سیاسی جدید در افغانستان دارد. بنابر توافق این کنفرانس، حکومت موقت تشکیل شد که با برگزاری لویه‌جرگه‌ی اضطراری جایش را به حکومت انتقالی به رهبری حامد کرزی سپرد. حکومت انتقالی موظف به تدویر

### فریضه عالمی

از پله‌های باریک یک مرکز دینی که بالا می‌رفتم جمعیت بیشتر و بیشتر می‌شد. زن، مرد و حتا کودکان در سنین مختلف. در انتهای پله‌ها اتاق مخصوص کسانی است که برای گرفتن کمک، حل مسائل حقوقی و شرعی همچون درخواست طلاق و تفریق مراجعه می‌کنند. اتاقی با فرش کهنه و رنگ‌ورورفته. وقتی آن‌جا رسیدم تعداد زیادی از زنان و مردان منتظر نوبت نشسته بودند. حضور این همه در یک جا هوای اتاق را تحمل‌ناپذیر کرده بود. نزدیک دروازه کنار یکی از مراجعه‌کننده‌ها که زن جوانی بود، نشستم.

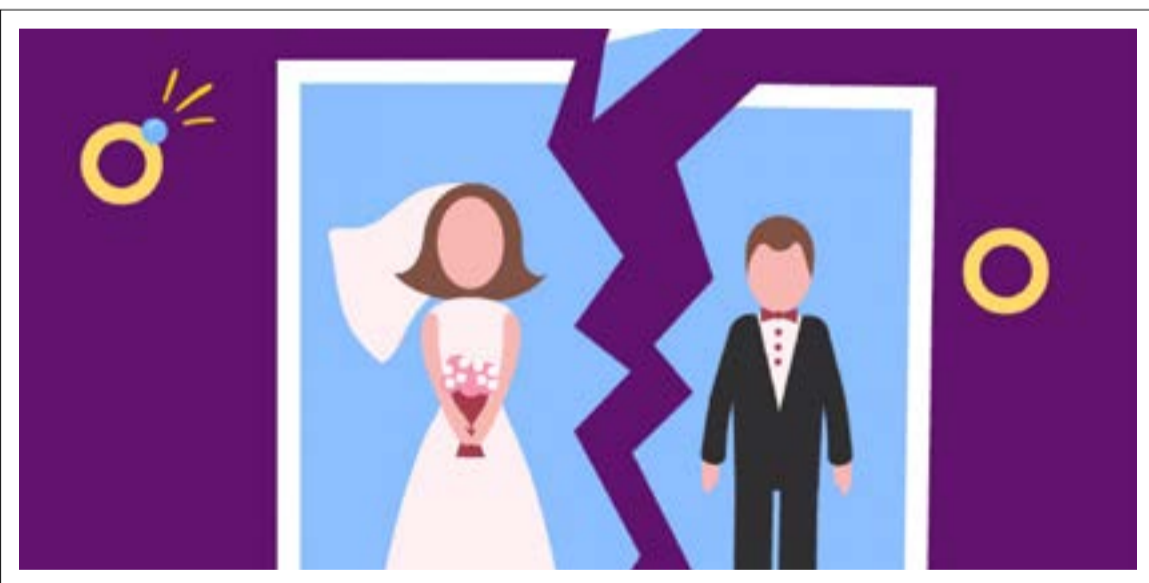
زهره (مستعار) برای گرفتن طلاق به این مرکز آورده شده بود. او با خودش مکرراً می‌گفت: «طلاق نمی‌گیرم، با زور که به خانه‌ات نیامدم!» بعد به پدرش که روبه‌روی همه در جمع مردان نشسته بود، التماس می‌کرد تا زمانی که شوهرش مقدار پولی را که حق او است ندهد ورق طلاق را امضا نکند.

نزدیک به چهار سال پیش پدرش زهره را به عقد مردی که همسر اولش کشته شده بود، درآورد. پس از زهره شوهرش زن دومی را نیز گرفت. زهره می‌گوید هنوز مدت زیادی از زندگی مشترک‌شان نگذشته بود که که خشونت علیه او شروع شد. لت‌وکوب و تحقیر از سوی شوهر و خانواده‌اش، بخشی از خشونت‌ها است. از

زندگی مشترک زهره چهار سال گذشته است. زهره به‌رغم چهار سال خشونت و تحقیر می‌گوید شوهرش او را به یک دلیل پیش‌پاافتاده طلاق می‌دهد. زنان زیادی در افغانستان به‌دلیل نداشتن آگاهی از حقوق‌شان، بی‌سوادی و عدم دسترسی به نهادهای قضایی و عدلی بی‌سرنوشت و بلاتکلیف زندگی می‌کنند. آن‌ها هر نوع خشونت و بی‌سرنوشتی را نسبت به جداسدن از همسران‌شان ترجیح می‌دهند.

زهره حتا بعد از تحمل چند سال ضرب‌وشتم و تحقیرهای گاه و بیگاه همسرش، طلاق گرفتن را شرم دانسته و ترجیح می‌دهد شوهرش دو همسر دیگر بگیرد و همه مشکلات زندگی را تنهایی به دوش بکشد، اما زن مطلقه خطاب نشود: «گفتم چهار زن کند، اما طلاق نام ندهد. حالا که می‌خواهد زندگی را خراب و طلاق کند باید طلا، مهریه، تمام پول و وسایلم را بدهد.»

زنان زیادی در افغانستان در پیوند با پدیده‌ی طلاق با چالش‌های زیادی روبه‌رویند. این موضوع هنوز به نوعی تابو است و زنان با توجه به عرف و سنت حاکم و همچنین ناپسند انگاشته‌شدن آن از سوی جامعه با وجود تحمل دشواری‌های بسیار حاضر به قبول و پذیرش این موضوع نیستند. آصف همسر زهره که برای طلاق او تصمیم



## تابوی طلاق در افغانستان؛

# زنانی که مرگ را از طلاق بهتر می‌دانند

حتا بدون دلیل معقول می‌تواند همسر خود را طلاق بدهد. نجیبه یکی دیگر از بانوانی است که از دو سال تا حالا همسرش قصد دارد او را طلاق بدهد اما او حاضر است با تحمل سختی‌های بسیار طلاق تحمیلی را نپذیرد و به

باید قبول کند. زن دیگر دارم. نظر به شریعت هرچه لازم باشد به او می‌دهم. او بیشتر از این حق ندارد با تصمیم من مخالفت کند.» براساس شریعت و قانون در افغانستان طلاق حق مرد است که در هر شرایطی

گرفته می‌گوید همسر دیگری نیز دارد و بنا بر نداشتن توانایی پیشبرد دو خانواده، زهره را طلاق می‌دهد. او با خشم می‌گوید که همسرش از لحاظ شرعی و قانونی حق ندارد درخواست طلاق او را رد کند: «هر قسم شود امروز طلاقش می‌دهم. او هم

## ترجمه



## تاریکی بر فراز کابل

آنرا ضعف غرب تلقی خواهند کرد، با افزایش دست‌درازی‌های خود بالترتیب به اوکراین و تایوان، پاسخ نخواهند داد؟ پیام بایدن در مراسم تحلیف ریاست‌جمهوری ایالات متحده این بود که «امریکا بازگشته است.» اما اعتبار از دست‌رفته‌ی ایالات متحده‌ی پس از ترمپ به این راحتی قابل بازگشت نیست. روند بازیابی جایگاه از دست‌رفته آمریکا در جهان زمان‌بر خواهد بود و می‌تواند منجر به محاسبات اشتباه و خطرناک توسط دشمنان و رقبای واشنگتن شود.

پایان حضور طولانی مدت غرب در افغانستان خلای قدرتی ایجاد می‌کند که قدرت‌های منطقه‌ای رقیب سعی خواهند کرد آنرا پر کنند. در این بیست سال گذشته، مسأله فقط آمریکا و جنگ آمریکا علیه القاعده و طالبان نبود. برای پاکستان، جنگ افغانستان همیشه برای محافظت از سرزمین داخلی پاکستان در برابر دشمن اصلی اسلام‌آباد یعنی هند بوده است. تروریسم اسلامی ابزار اصلی پاکستان است و به همین دلیل سیاست این کشور در قبال ایالات متحده هیچ‌گاه روشن نبوده است. پاکستان از یک سو به ایالات متحده اجازه داد تا از بنادر و خاک این کشور برای تأمین نیروهای آمریکایی در افغانستان استفاده کند و از سوی دیگر، به تروریست‌های اسلام‌گرا از جمله بن لادن و اکثر رهبران طالبان در خاک خود پناه داد.

در همین حال، رژیم ایران مدت مدیدی است که با حفظ حضور خود در غرب افغانستان، سعی در محافظت از جمعیت شیعی این کشور و تأمین امنیت مرز شرقی خود دارد. و چین، بزرگ‌ترین و توسعه‌طلب‌ترین قدرت منطقه، دارای منافع ژئوپلیتیکی و منافع مرتبط با منابع طبیعی قابل توجه در افغانستان است. افغانستان علاوه بر این که یک مرکز بازرگانی بالقوه برای ابتکار کمربند و راه چین است، رابطه‌ی نزدیک کابل با اسلام‌آباد (اکنون که چین درگیری‌های مرزی خود را با هند از سر گرفته است) می‌تواند به مراتب بیشتر از قبل دارای اهمیت شود.

همان‌طور که حضور غرب در افغانستان به مهار این درگیری‌ها کمک کرده است، خروج غرب احتمالا نتیجه‌ی معکوس خواهد داشت. چین تلاش خواهد کرد تا خود را به‌عنوان جانشین آمریکا و هم‌زمن منطقه‌ای معرفی کند. این که آیا چین می‌تواند بهتر از شوروی و امریکای از عهده‌ی اداره‌ی این بشکته‌ی باروت برآید یا خیر، بحث دیگری است. دلایل قوی وجود دارد که آدم به توانایی چین در انجام این کار شک کند.

تراژدی افغانستان دست‌کم از قرن نوزدهم تاکنون این است که این کشور پیوسته نقطه‌ی برخورد منافع قدرت‌های بزرگ بوده است. اوایل افغانستان موضوع مورد مجادله بین امپراتوری‌های انگلیس و روسیه بود که سعی در کنترل آسیای میانه و آسیای جنوبی داشتند. سپس در قرن بیستم با حمله شوروی در سال ۱۹۷۹ به افغانستان، این کشور در آتش جنگ سرد گرفتار شد. پس از خروج شوروی در سال ۱۹۸۹ افغانستان به کام جنگ داخلی فرو رفت و هنگامی که القاعده کنترل را به دست گرفت، به پایگاهی برای گروه‌هایی همچون القاعده تبدیل شد. پس از ۱۱ سپتامبر ایالات متحده و متحدان غربی واشنگتن به افغانستان حمله کردند. روی‌هم‌رفته این کشور دست‌کم برای نیم قرن در جنگ بوده است و هیچ دلیلی وجود ندارد که فکر کنیم بدبختی این کشور به این زودی‌ها پایان خواهد یافت.

هیچ جایگزین پایدار برای حضور نظامی غرب در افغانستان وجود ندارد. ما در دوازده سپتامبر ۲۰۲۱ شاهد جهانی امن‌تر و بهتر نخواهیم بود. برعکس، خروج غرب از افغانستان ناگزیر به یک فاجعه انسانی منجر خواهد شد. مردم افغانستان اولین کسانی خواهند بود که از آن رنج می‌برند، اما قطعاً آخرین نخواهند بود.

یوشکا فیشر از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۵ به‌عنوان وزیر امور خارجه و معاون صدراعظم آلمان خدمت می‌کرد و برای تقریباً ۲۰ سال رهبر حزب سبز آلمان بود.

هزینه‌ی ژئوپلیتیک خروج نیز بالا خواهد بود. گروه‌های اسلام‌گرای افراطی این به اصطلاح شکست غرب را چگونه تعبیر خواهند کرد؟ آیا افغانستان مانند دوره‌ی پسا جنگ سرد و خروج ارتش سرخ شوروی، دوباره به لانه‌ی امن تروریست‌ها تبدیل نخواهد شد؟ و آیا فراتر از آسیای میانه، روسیه و چین به آنچه آنرا ضعف غرب تلقی خواهند کرد، با افزایش دست‌درازی‌های خود بالترتیب به اوکراین و تایوان، پاسخ نخواهند داد؟

یوشکا فیشر، پروچکت سندیکت  
مترجم: جلیل پژواک

ماجرای افغانستان دست‌کم تا جایی که به نظامیان غربی مربوط می‌شود، در حال پایان است. اگر رییس‌جمهور بایدن به زمان‌بندی خود پایبند بماند، آخرین سربازان غربی قرار است در ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۱، درست دو دهه پس از حمله القاعده به مرکز تجارت جهانی در شهر نیویورک، افغانستان را ترک کنند. جنگ افغانستان باید در برهه‌ای از زمان به پایان می‌رسد. اما پس از صرف این همه خون و پول، بسیاری‌ها کنجکاوند که این جنگ دست‌آوردی دارد یا خیر.

گرچه این جنگ شبکه تروریستی القاعده را تضعیف کرد، اما از بین نبرد. ایالات متحده پس از بیرون‌راندن طالبان از کابل، رهبر القاعده را ردیابی کرد و او را به قتل رساند. اما در خارج از پایتخت و چند شهر دیگر، طالبان اکنون قوی‌تر از همیشه هستند و آماده می‌شوند تا پس از خروج نیروهای غربی قدرت را دوباره به‌دست بیاورند. تروریسم اسلام‌گرای افراطی چه از نظر نظامی و چه از نظر ایدئولوژیک شکست نخورده است و همچنان تهدیدی برای غرب است. پس از این همه سال‌ها، افغانستان هنوز فاقد ساختار حکومت‌داری پایداری است که بتواند تروریسم داخلی، فساد و تجارت مواد مخدر را مهار کند، چه رسد به این که چشم‌انداز آینده‌ی صلح‌آمیز و سعادت‌مندتر را برای مردم این کشور ارائه دهد. ثبات منطقه‌ای احتمالا پس از خروج نیروهای غرب از افغانستان شکننده‌تر از امروز خواهد بود.

ما نباید دچار توهم شویم. عقب‌نشینی نیروهای غربی به مثابه شکست است و عواقب انسانی آن شدید خواهد بود. برای مردم افغانستان جنگ ادامه خواهد یافت. بازگشت احتمالی طالبان و اسلام‌گرایی عصر حجر این گروه، دوباره زنان و دختران افغانستان را مجبور به پوشیدن برقع خواهد کرد و حقوق انسانی‌شان را از آن‌ها خواهد گرفت. افغان‌های شهری تحصیل‌کرده دسته دسته سعی به فرار از افغانستان به غرب خواهند کرد. کسانی که باقی می‌مانند، از جمله اکثر اقلیت‌های قومی و مذهبی این کشور، با سرنوشت ناگواری روبه‌رو خواهند شد.

آدم کنجاکو می‌شود که بدانند آیا اتحادیه اروپا و ناتو برای آنچه در ماه‌های پیش‌رو رخ خواهد داد واقعا آماده هستند یا خیر؟ از نظر نظامی این خروج منطقی است: غرب چیزی برای به‌دست‌آوردن در افغانستان ندارد. اما از نظر انسانی و اخلاقی، این خروج معاشقه با فاجعه‌ای قابل‌پیش‌بینی است.

اتحادیه اروپا به ویژه باید انتظار سیل عظیمی از پناهجویان افغان را داشته باشد؛ پناهجویانی که یادآور ویتنامی‌هایی خواهند بود که پس از خروج آمریکا از ویتنام، در غرب پناه جستند.

هزینه‌ی ژئوپلیتیک خروج نیز بالا خواهد بود. گروه‌های اسلام‌گرای افراطی این به اصطلاح شکست غرب را چگونه تعبیر خواهند کرد؟ آیا افغانستان مانند دوره‌ی پسا جنگ سرد و خروج ارتش سرخ شوروی، دوباره به لانه‌ی امن تروریست‌ها تبدیل خواهد شد؟ و آیا فراتر از آسیای میانه، روسیه و چین به آنچه

کلی و نوع نظام سیاسی آینده این کشور بحث شود و توافق صورت گیرد، موضوع تمرکزگرایی و تمرکززدایی به‌عنوان دو روایت متضاد، یکبار دیگر بر سر زبان‌ها افتاده و به یک گفتمان داغ در سطح ملی مبدل شده است. بدون شک که سرنوشت سیاسی آینده دولت و ملت افغانستان به نتایج نشست استانبول بستگی دارد. در واقع نشست استانبول، یک فرصت تاریخی و استثنایی برای عبور از تمرکزگرایی و ایجاد یک نظام سیاسی مردم‌سالار و غیرمتمرکز در کشور پنداشته می‌شود. ۲۰ سال پس از کنفرانس بن، امروز یک‌بار دیگر زمینه و بستر برای تغییر نظام سیاسی کشور فراهم شده است. برگزاری نشست استانبول روزه‌های امید را برای شکل‌گیری یک نظام شهروندمحور و غیرمتمرکز به روی شهروندان افغانستان باز کرده است. انتظار و توقع شهروندان از بزرگان و رهبران سیاسی که به نمایندگی از مردم در نشست استانبول شرکت می‌کنند، این است که موضوع نظام غیرمتمرکز را همانگونه که در طرح اکثر احزاب سیاسی تصریح شده و نیز در «طرح توافق‌نامه‌ی صلح شورای عالی مصالحه‌ی ملی» برجسته شده، در نشست استانبول به‌گونه‌ی جدی مطرح کنند و با تمام قوت و توان به پای این داعیه کلان بایستند. خواست مردم از بزرگان این است که این‌بار نگذارند مثل گذشته‌ها فرصت از دست برود و دوره‌های باطل و تجارب تلخ گذشته یک‌بار دیگر تکرار شود. نشست استانبول، یک فرصت طلایی و تاریخی برای تعیین سرنوشت و به کرسی نشاندن مطالبات جمعی و داعیه‌ی مشترک شهروندان این کشور است. اگر شما در این نشست مهم بحث سرنوشت سیاسی ملت را دست کم بگیرید، از کنار مطالبات و خواست‌های جمعی مردم به سادگی عبور کنید و اشتباهات گذشته را تکرار نمائید، هزینه‌های این اشتباه شما بسیار سنگین و جبران‌ناپذیر خواهد بود. در این صورت، حد اقل تا ۵۰ سال دیگر فرصت برای بحث و رایزنی در باره‌ی تغییر نظام سیاسی کشور میسر نخواهد شد. حلقه‌ی تمرکزگرایی، استبداد، انحصار و خودکامگی در کشور بیش از پیش تنگ خواهد شد و نظام شدیداً متمرکز بر نسل‌های بعدی شما نیز حاکم خواهد بود. مطمئن باشید که تاریخ و نسل‌های آینده در مورد عملکرد شما قضاوت خواهند کرد.

## گزارش

دختر هفت ساله‌اش تنها زندگی می‌کند. همسرش شش سال قبل بدون این‌که به او خبر بدهد، خانه را ترک کرده است. زندگی مشترک آن‌ها فقط سه سال طول کشید که آن هم با مشکلات اقتصادی و خشونت‌های شوهرش سپری شده است. اکنون در غیابت همسر منتظر است خبر و نشانی از او به‌دست بیاورد تا پدر و برادرش دست از سر او بردارند و مجبورش نکنند، درخواست طلاق کند: «از همسرم آدرس ندارم و نمی‌دانم که کجا رفته است. ترجیح می‌دهم که سال‌ها منتظر بمانم تا این‌که طلاق بگیرم و بین مردم به زن طلاق‌شده معرفی شوم.»

لطیفه سلطانی، عضو کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در گفت‌وگو با روزنامه اطلاعات روز می‌گوید تعداد زنان بی‌سرنوشت و تنها در افغانستان کم نیست و روزبه‌روز تعدادشان بیشتر می‌شود. زنان بی‌سرنوشت زیادی به این کمیسیون مراجعه می‌کنند و احتمال این‌که هزاران زن بی‌سرنوشت دیگر به‌دلیل دسترسی‌نداشتن به نهادهای عدلی و قضایی یا کمیسیون مستقل حقوق بشر تحت تأثیر عرف و عنعنات محلی نتوانسته‌اند شکایت ثبت کنند نیز وجود دارد: «زنان در افغانستان از سوی قانون و شریعت حمایت نمی‌شوند. به همین دلیل آن‌ها طلاق‌شدن را برای‌شان شرم و تابو دانسته و هر نوع خشونت را تحمل می‌کنند.»

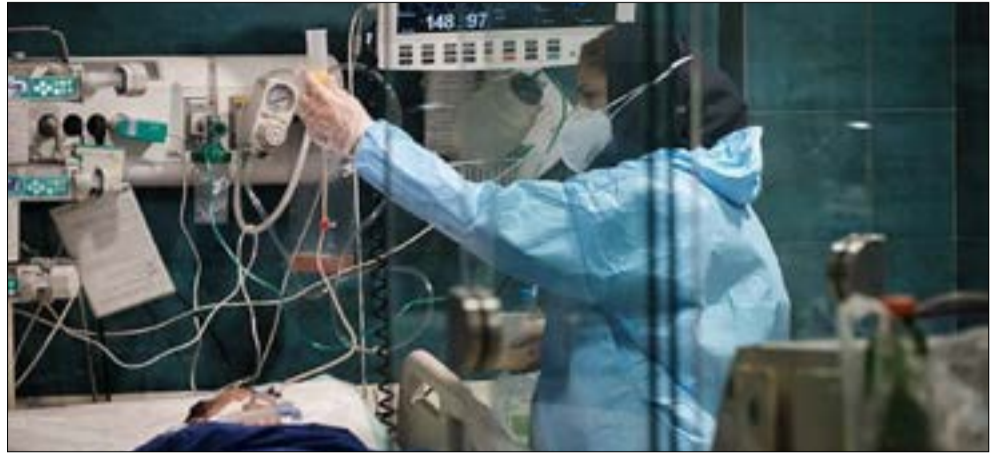
نظام شدیداً متمرکز در کشور دارد. افغانستان به‌عنوان یک کشور متکثر و چندقومی زمانی به وحدت ملی، عدالت اجتماعی، انکشاف متوازن، توسعه و رفاه اقتصادی به‌معنای واقعی کلمه دست پیدا می‌کند که یک نظام غیرمتمرکز و مردم‌سالار در این کشور ایجاد شود. نظام ریاستی متمرکز کنونی تمام صلاحیت‌ها و اختیارات و منابع را در دست یک فرد خاص قرار داده است. در ماده‌ی ۶۴ قانون اساسی، صلاحیت‌های فوق‌العاده به رییس‌جمهور داده شده و از او در واقع یک پادشاه مستبد و دیکتاتور تمام‌عیار ساخته است. نظام ریاستی متمرکز حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌های ملی، انتخاب مسئولین محلی و دسترسی به منابع را از شهروندان کشور سلب کرده است. اکثریت شهروندان این سرزمین بدین باورند که رأی و اراده آنان در تعیین سرنوشت کشور هیچ‌گونه نقشی ندارد. از این‌رو، آن‌ها هیچ‌گونه حساس تعلق با حکومت مرکزی و محلی ندارند و همواره احساس محرومیت و سرخوردگی می‌کنند. نظام شدیداً متمرکز، یکی از دلایل عمده بلندشدن دیوار بی‌اعتمادی میان دولت و ملت است. ساختار نظام کنونی به حدی متمرکز و بسته است که ۳ الی ۴ نفر تمام امور این مملکت را به‌دست دارند و بالای حدود ۳۵ میلیون شهروند حکم می‌رانند. نظام متمرکز باعث ایجاد و تشدید خودکامگی، انحصارگرایی، یکه‌تازی و استبداد رأی در کشور شده است. نظام متمرکز به هیچ‌عنوان پاسخ‌گوی نیازهای جامعه‌ی متکثر افغانستان نیست و عبور از تمرکزگرایی، یک نیاز و اولویت ملی محسوب می‌شود. اکنون وقت آن فرار رسیده است تا با ایجاد یک نظام دموکراتیک و شهروند محور، صلاحیت‌ها و اختیارات به ولایات و ولسوالی‌ها برگردانده شود و نقش واقعی مردم در تصمیم‌گیری‌ها، حکومتداری و مدیریت منابع تمثیل شود.

در حال حاضر اکثریت مطلق احزاب و جریان‌های سیاسی، نهادهای مدنی، قشر زنان و جوانان و سایر شهروندان خواستار استقرار نظام غیرمتمرکز در کشور هستند. می‌توان گفت که در شرایط کنونی عبور از نظام متمرکز و بسته، به یک داعیه و هدف مشترک شهروندان افغانستان مبدل شده است. اکنون که در آستانه‌ی برگزاری نشست استانبول در باره‌ی افغانستان قرار داریم و قرار است در این نشست در باره‌ی چارچوب

زندگی مشترکش ادامه دهد. شوهر نجیبه نیز زن دوم گرفته است: «بعد از عروسی، شوهرم سه بار در جلسه‌ی خانوادگی خواست طلاق‌ام بدهد. اما با گریه و زاری پیش هردو خانواده او را از طلاق دادن منصرف کردم. پیش همه مجلس گفتم مرگ را قبول دارم اما طلاق گرفتن را نه. پدرم بارها مرا اخطار داده که اگر طلاق را قبول کنم مرا به خانه‌اش راه نمی‌دهد. مادرم هم می‌گوید که باید به سرنوشت‌ام راضی باشم و آبروی خانواده را با جداشدن نبرم.» بی‌سرنوشتی زنان در زندگی خانوادگی پس از ازدواج یا قرارگرفتن در شرایطی که شوهران‌شان همسر دوم می‌گیرند و نسبت به آن‌ها بی‌توجهی می‌کنند، از مشکلات جدی زنان در افغانستان است. زنان معمولاً از حمایت‌های قانونی و خانوادگی برخوردار نیستند.

براساس آمار کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، در سال ۱۳۹۹ بیش از ۶۰۰ زن بی‌سرنوشت به این کمیسیون مراجعه و از بی‌سرنوشتی خود شکایت کرده‌اند. این زنان نسبت به وضعیت نامعلوم و آینده‌ی مبهم زندگی‌شان نگرانند و برای روشن‌شدن آینده و سرنوشت‌شان دادخواهی کرده‌اند. این زنان بیشتر در مناطقی زندگی می‌کنند که نسبتاً امن بوده و میزان دسترسی به نهادهای حقوق بشری، به‌ویژه کمیسیون حقوق بشر نسبت به دیگر مناطق بیشتر فراهم است. نرگس هشت سال است ازدواج کرده اما با

## کرونا و «وخامت» وضعیت ۲۵ استان ایران؛ پروازهای هند و پاکستان لغو شد



به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، دکتر علیرضا رئیسی، سخنگوی ستاد ملی مبارزه با کرونا در ایران گفته «ویروس جهش یافته هندی به شدت مسری است که میزان تلفات بالایی دارد و گفته می‌شود حتی از ویروس‌های جهش یافته دیگر شدیدتر است. استان‌هایی که در مرز شرقی کشور در همسایگی افغانستان و پاکستان قرار دارند باید مراعات کنند و توصیه شد استاندانان تمهیدات لازم را ببندیشند». در تهران طرح ممنوعیت ترافیکی در مرکز برای یک هفته و با هدف کاهش تراکم در وسائل حمل و نقل عمومی لغو شده و طرح ممنوعیت تردد از ۹ شب تا ۳ صبح که در

اطلاعات روز: مقام‌های بهداشتی ایران می‌گویند از ۳۱ استان ۲۵ استان از نظر شیوع کرونا در وضعیت «وخیم» قرار دارند. به گفته مقام‌های ایران استان‌های تهران، خراسان رضوی، خراسان شمالی، گلستان، لرستان و همدان هفت استانی هستند که بدترین وضعیت را دارند. مسئولان بهداشتی و پزشکان ایران نگران شیوع احتمالی ویروس جهش یافته کرونا در هند هستند. وزارت بهداشت اعلام کرده که از امشب تمام پروازهای رفت و برگشت میان ایران با هند و پاکستان ممنوع خواهد بود.

برخی از شهرها همچون تهران اجرا می‌شود، در شب‌های قدر برداشته خواهد شد.

حسن روحانی رئیس‌جمهور ایران امروز در جلسه ستاد ملی مبارزه با کرونا دو هفته آینده را برای مبارزه با گسترش بیشتر ویروس «حساس» توصیف کرده و گفته و درباره محدودیت امکانات بهداشتی و درمانی هشدار داده است. آقای روحانی گفته است که «خطر ویروس هندی پیش روی ماست».

ایران بیش از دو هفته است که دچار موج چهارم شیوع ویروس کرونا شده است. آمار ابتلای روزانه به ویروس کرونا و بیماری کووید-۱۹ در این کشور به بالاتر از ۲۵ هزار نفر در روز رسیده است که تقریباً دو برابر بالاترین آمار ثبت شده در سال گذشته است.

آمار مرگ و میر روزانه رشد چشمگیری داشته است و به گزارش وزارت بهداشت ایران در یک روز حتی از ۴۰۰ نفر هم عبور کرد و در مجموع به ۷۰ هزار نفر نزدیک شده است.

بر اساس اعلام وزارت بهداشت در چهارم در ثور ۱۴۰۰ خورشیدی در شبانه روز اخیر ۳۷۴ ایرانی دیگر به دلیل ابتلا به بیماری کووید-۱۹ فوت کرده‌اند.

دکتر ایرج حریرچی معاون وزارت بهداشت ایران گفته است که شمار واقعی جانباختگان دوبرابر عددی است که روزانه از سوی این وزارت اعلام می‌شود.

به تازگی اعلام شده است که رکود دفن روزانه در بهشت زهرا گورستان اصلی شهر تهران از زمان تاسیس آن در

۵۰ سال پیش شکسته شده است. تصاویری در رسانه های ایران در روزهای اخیر منتشر شده که نشان می‌دهد این گورستان در حال تجهیز به قبرهای چهار طبقه جدید است.

از جمعیت ۸۵ میلیون نفری ایران به گفته مقام های بهداشتی واکسیناسیون فقط در حدود ۷۰۰ هزار نفر تکمیل شده است.

دولت ایران تاکنون حدود ۴۲۰ هزار دوز از روسیه، ۶۵۰ هزار دوز از چین، ۱۲۵ هزار دوز از هند و حدود ۷۰۰ هزار دوز واکسن آسترازنکا از کره جنوبی وارد ایران کرده است.

مقام های دولتی به تازگی گفته‌اند که مجدداً از روسیه واکسن ضدکرونا این کشور را خریده و قرار است ۶۰ میلیون دوز آن تا پایان پاییز سال جاری وارد شود. همچنین قراردادی برای ساخت واکسن روسی در ایران با آن کشور امضا کرده‌اند.

دو نهاد ستاد اجرایی فرمان امام و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در ایران هم می‌گویند که در حال کار برای ساخت واکسن و تولید گسترده آن هستند اما حسن روحانی رئیس‌جمهور ایران به تازگی گفته بود که نمی‌توان منتظر واکسن داخلی ماند و باید زودتر به واردات آن شدت بخشید.

آیت الله علی خامنه‌ای رهبر ایران ورود واکسن ساخت بریتانیا و آمریکا را ممنوع کرده و به گفته مقام های دولتی گفته است که فقط واکسن ایرانی خواهد زد.

## ارتش اسرائیل به تلافی شلیک دستکم ۱۵ راکت از نوار غزه، مواضع حماس را در غزه هدف قرار داد



منطقه هانگب در مرز غزه به صدا درآمد. جمعه هفته گذشته نیز، جنگنده‌های ارتش اسرائیل به تلافی شلیک یک راکت از غزه به یک منطقه باز در جنوب این کشور، به تعدادی از مواضع حماس را در نوار غزه حمله کرده بودند.

جنگنده‌های اسرائیلی در این حمله یک مرکز آموزش نظامی، یک پست ضدهوایی و یک کارخانه را که برای تونل‌ها و انبارهای اسلحه حماس سیمان تولید می‌کرد، هدف قرار دادند.

یک روز قبل از آن نیز، هواپیماها و بالگردهای جنگی اسرائیل در پاسخ به شلیک یک راکت از غزه، به یک سایت تولید تسلیحات، یک تونل قاچاق اسلحه و یک پست نظامی متعلق به حماس در نوار غزه حمله کرده بودند.

جمعه شب به وقت محلی سه راکت به سمت شهر کیمسوفیم در منطقه اشکول شلیک شد که دو فروند از آنها در نزدیکی شهر سقوط کردند و یکی دیگر را سیستم پدافند هوایی گنبد آهنین رهگیری کرد.

به گفته ارتش اسرائیل، در این حمله‌ها هیچ‌کس آسیب ندیده و به ساکنان این منطقه هیچ توصیه ایمنی خاصی ارائه نمی‌شود.

در اواخر جمعه شب به وقت محلی آذیرهای خطر در بسیاری از شهرهای دیگر منطقه اشکول شنیده شد. ارتش اسرائیل اعلام کرد در دومین حمله از سمت غزه، چهار راکت به سمت این مناطق شلیک شده بود که سیستم پدافند هوایی گنبد آهنین دو فروند از آنها را رهگیری کرد.

ساعت سه بامداد به وقت محلی نیز آذیرهای خطر در

اطلاعات روز: ارتش اسرائیل اعلام کرد در واکنش به شلیک دستکم ۱۵ راکت از نوار غزه به مناطق جنوبی این کشور، به مواضع حماس در نقاط مختلف نوار غزه حمله کرده است.

حمله راکت‌ها از غزه در چند مرحله صورت گرفت و به گفته ارتش اسرائیل، سیستم پدافند هوایی گنبد آهنین در مجموع چهار فروند از آنها را رهگیری کرده است.

توپخانه اسرائیل اولین واکنش تلافی‌جویانه را نشان داد و در پاسخ یک پست نظامی حماس در غزه را هدف قرار داد. پس از ادامه یافتن شلیک راکت‌ها، جنگنده‌های اسرائیلی نیز به سایت‌های پرتاب راکت و تونل‌های زیرزمینی حماس در نوار غزه حمله کردند. به نقل از ایران اینترنشنال، در مرحله اول این حمله‌ها،

## وزیر خارجه اوکراین:

## بازگشت نیروهای نظامی روسیه از مرز اوکراین، برای کاهش بحران کافی نیست

نظامی روسیه در اطراف مرز های اوکراین به مسکو هشدار دادند و مقامات روسیه نیز در واکنش به این اظهارات گفتند که اگر غرب مداخله نظامی کند، درگیری «ویرانگر» در منطقه بالا خواهد گرفت.

جو بایدن، رئیس‌جمهوری آمریکا، با بالا گرفتن تنش‌ها در مرز اوکراین، اعلام کرد که ایالات متحده هرگز الحاق شبه جزیره کریمه به خاک روسیه را به رسمیت نخواهد شناخت. به دنبال آن آمریکا دو ناو جنگی را برای حمایت از اوکراین به دریای سیاه فرستاد اما پیش از ورود به دریای سیاه، اعلام کرد که در پی دریافت تضمین‌های لازم از طرف روسیه از حضور در دریای سیاه خوداری می‌کند. روسیه، دلیل افزایش نیروهایش را در مرزهای شرقی خود انجام رزمایشی سه‌هفته‌ای برای آنچه «آمدگی رزمی در برابر رفتار تهدیدآمیز» ناتو عنوان کرد و ایالات متحده و ناتو را به «فعالیت تحریک‌آمیز» در فضای آبی و هوایی دریای سیاه متهم کرد.

اکنون کاهش و خروج بخشی از نیروهای روسی در منطقه، نشانه‌ای از کاهش تنش در منطقه ارزیابی شده است اما اوکراین همچنان معتقد است روسیه نقشه‌های زیاده‌خواهانه‌ای در سر می‌پروراند.

شبه نظامیانی که سال‌هاست آتش‌بس در شرق اوکراین را نقض می‌کنند.

تجمع نیروهای نظامی روسیه در مناطق هم مرز با اوکراین که در کنترل نیروهای جدایی‌طلب بود طی هفته‌های گذشته، احتمال بروز یک جنگ را در منطقه افزایش داده بود.

درگیری میان نیروهای جدایی‌طلب منطقه دونباس با نیروهای نظامی اوکراین از سال ۲۰۱۴ آغاز شد، نبردی که تا کنون حدود ۱۴ هزار کشته بر جای گذاشته است. سال ۲۰۱۴ روسیه به بهانه حمایت از روس تباران کریمه، این منطقه استراتژیک را از اوکراین منفک و پس از برگزاری یک همه پرسی غیرقانونی آن را به خاک خود منضم کرد.

پس از آن روس تباران در منطقه دونباس با نقض آتش‌بسی که در ۲۰۱۴ برقرار شد، بارها با نیروهای اوکراین درگیر شده و تمایل خود را به پیوستن به خاک روسیه اعلام کردند.

با وجود این سابقه، روسیه منکر اعزام نیروهای نظامی به مناطق شرق اوکراین و حمایت تسلیحاتی از جدایی‌طلبان این کشور شده بود اما اروپا و آمریکا پس از آغاز تحرکات

در حالی که روسیه لشکرکشی به مرزهای زمینی و دریایی اوکراین را یک مانور نظامی معمول اعلام کرده بود، اوکراین روسیه را به استقرار نیروهای نظامی برای حمایت از جدایی‌طلبان روس تحت حمایت مسکو متهم کرد،



اطلاعات روز: در پی خروج بخشی از نیروهای روسی که در چند هفته گذشته به بهانه مانور نظامی در مرزهای زمینی و دریایی با اوکراین مستقر شده بودند، وزیر خارجه اوکراین این اقدام مسکو را برای کاهش بحران ناکافی دانست.

دمیترو کولبا، وزیر امور خارجه اوکراین، روز جمعه گفت: «خروج نیروهای نظامی روسیه از مرز با اوکراین می‌تواند تنش‌ها را در منطقه کاهش دهد اما این گام به تنهایی، درگیری در منطقه دونباس شرقی را متوقف نخواهد کرد.» به نقل از ایران اینترنشنال، کولبا همچنین در بیانیه‌ای از شرکای غربی اوکراین خواست به نظارت نزدیک بر اوضاع ادامه دهند و اقدامات موثری برای جلوگیری از زیاده‌خواهی‌های روسیه در منطقه انجام دهند.

روسیه روز پنجشنبه اعلام کرده بود که به نیروهای نظامی خود دستور داده است از منطقه نزدیک مرز با اوکراین به پایگاه‌های خود بازگردند.

مقامات اتحادیه اروپا پیشتر اعلام کرده بودند که روسیه ۱۵۰ هزار نیروی نظامی را در شبه‌جزیره کریمه و در مرز اوکراین مستقر کرده است، موضوعی که روسیه آن را رد می‌کرد.

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com

• سردبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶

• سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش

• گزارش‌گران و خبرنگاران: ابودرملک نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عبدالواحد حیدری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس و واجد روحانی

• مترجم: جلیل پژواک

• ویراستار: شیرمهریار

• صفحه آرا: رضا مظفری

• ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا

• شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

• ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

• آدرس: کابل، کارته‌سه شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷ توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

• شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

• توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

• شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷

• توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

## هادی خوش‌نویس

وزارت صحت عامه می‌گوید سالانه نزدیک به ۶۰ هزار کودک در افغانستان به دلیل مخالفت خانواده‌هایشان از واکسین پولیو محروم می‌شوند. به گفته‌ی این وزارت تبلیغات منفی و شایعات ضد واکسین در افغانستان هنوز پررنگ و داغ است. به همین دلیل خانواده‌های زیادی هستند که شایعات را باور کرده‌اند و نگذاشته‌اند کودکانشان واکسین شود. پس از ناامنی شایعات دومین عامل بزرگ بازدارنده از رسیدن واکسین پولیو به کودکان زیر پنج سال در افغانستان خوانده می‌شود.

افغانستان هنوز جزء کشورهای است که فلج کودکان در آن ریشه‌کن نشده است. براساس آمار وزارت صحت عامه در سال گذشته میلادی نسبت یک سال پیش از آن موارد ابتلای کودکان به بیماری پولیو در کشور، به‌ویژه در ولایت‌های جنوبی ۵۰ درصد افزایش یافته است.

در این گزارش با شماری از کسانی که در برنامه‌ی رضاکارانه‌ی کمپین خانه به خانه واکسین کار کرده‌اند، گفت‌وگو شده است. واکسیناتوران به این نظرند که تبلیغات منفی علیه واکسین پولیو هنوز پررنگ است. بسیاری از خانواده‌ها به کارزار واکسین به دیده‌ی تردید و این طرح را یک توطئه می‌دانند. این افراد حتا در مواردی تهدید نیز دریافت کرده‌اند. شایعات علیه این واکسین تنها به ولایت‌های دورافتاده محدود نمی‌شود، حتا در کابل خانواده‌هایی هستند که شایعات را باور کرده‌اند.

طبق آمار این وزارت هر سال نزدیک به ۱۰ میلیون کودک به واکسین «پولیو» نیاز دارند و از این میان به‌طور اوسط یک میلیون و ۵۰۰ هزار کودک به دلایل مختلف از جمله شایعات از دریافت واکسین بازمی‌مانند. وزارت صحت عامه سالانه بودجه قابل توجهی را برای مبارزه با شایعات علیه این واکسین مصرف می‌کنند.

ویروس پولیو یکی از خطرناک‌ترین ویروس‌ها در جهان است که قربانی آن بیشتر کودکان است. این ویروس در میان مدت یک عضو یا تمام فعالیت‌های بدن افراد آلوده را مختل و برای همیشه فلج می‌کند.

## برچسب «جاسوس و عقیم‌سازی»

محمدجواد خادمی از سال ۲۰۱۸ به این طرف در ۱۰ برنامه تطبیق واکسین پولیو به کودکان نقش داشته و وظیفه اجرا کرده است. ساحه‌ی که آقای خادمی بیشترین وظیفه را در آن اجرا کرده ناحیه پنجم شهر کابل بوده است. او می‌گوید وقتی برای واکسین کودکان زیر پنج سال به این ناحیه می‌رفته با واکنش‌هایی روبه‌رو شده و تعدادی از خانواده‌ها از واکسین کردن کودکانشان ابا ورزیده است: «در چهارراهی قمبر، ساحه

## بازار داغ شایعات علیه واکسین فلج کودکان

سالانه ۶۰ هزار کودک به دلیل شایعات نادرست از واکسین پولیو در افغانستان محروم می‌شوند



برای عقیم‌کردن مسلمانان برنامه‌ریزی شده است و نمی‌خواستند کودکانشان را واکسین کنند: «مردم می‌گفتند این مریضی وجود ندارد، دروغ است. می‌گفتند، پدر کلان‌های ما و خود ما که به سن ۵۰ و ۷۰ رسیدیم هیچ‌گاه واکسین نشدیم و تا هنوز زنده‌ایم. این که می‌گویند فلج اطفال است دروغ است. می‌خواهند کودکان را عقیم بسازد و در آینده باعث عقیم‌سازی ما میشه.»

علی‌جان در دو سالی که در این عرصه فعالیت کرده، تجربه‌ی آزار و اذیت دارد. برچسب «جاسوسی» به او و تیمش زده شده است: «مردم محل به ما می‌گفتند که به‌نام واکسیناتور می‌رویم و وضعیت آن‌ها را اخلال می‌کنیم و ممکن است هدف دیگری داشته باشیم.»

علی‌جان مدعی است که تهدید با تفنگچه را هم تجربه کرده است: «سر همکار ما تفنگچه‌اش نشان داده و گفته بود که بار دیگر تو را ببینم خودت می‌بینی که من چگونه با تو برخورد می‌کنم.»

«اگر واکسین پولیو می‌بود شاید دخترم می‌توانست راه برود»

با همراهی و همکاری یک پزشک زن توانستم بیماری را پیدا کنم که از «پولیو» رنج می‌برد. سال‌ها پیش وقتی شریفه کودک بود بر اثر تب شدید به پولیو گرفتار شد و از چگونگی فلج‌شدن پایش چیزی زیادی یادش نمانده است. مادر شریفه، زن سال‌خورده‌ای است و فلج‌شدن دخترش و سکت‌مغزی شریفه مزید بر علت شده تا او به مریضی‌های گوناگونی گرفتار شود. می‌گوید که به سبب

نزدیک به ۱۰ میلیون کودک هر سال به واکسین پولیو نیاز پیدا می‌کنند و از این میان یک‌ونیم میلیون کودک بنابر دلایلی از جمله ناامنی و تبلیغات منفی علیه واکسین را دریافت کنند. بر همین اساس آمار ابتلا به ویروس «پولیو» سال گذشته نسبت به سال ۱۳۹۸ دوبرابر شده و به ۵۶ واقعه مثبت رسید.

جایی که تعدادی از خانواده‌ها حاضر به استفاده از واکسین پولیو برای کودکانشان نبودند: «اگر کودکشان را برای واکسین می‌آوردند بسیار غضب‌آلود بودند و می‌گفتند این واکسین نو آمده و این‌ها کافراند.» فلج اطفال نوعی بیماری است که کودکان به آن مبتلا می‌شوند و غیرقابل درمان است، اما با واکسین قابل پیشگیری است.

علی‌جان در ناحیه هفتم شهر کابل علاوه بر تطبیق واکسین پولیو، بر فعالیت تیم‌های رضاکار نظارت می‌کرد. او تجربه‌های مشابه محمدجواد و نجیب‌الله دارد. او از سال ۲۰۱۸ به این طرف در برنامه‌ی پولیو و چگونگی تطبیق واکسین آن کار می‌کند. او برای تطبیق واکسین پولیو در خیرخانه، با مخالفت مردم و تعدادی از خانواده‌ها روبه‌رو شد. مردم می‌گفتند که این برنامه توسط خارجی‌ها

کمپنی و خوشحال خان، خانواده‌ها این واکسین را رد می‌کردند و می‌گفتند که اطفالشان را واکسین نمی‌کنند. دلیل‌شان هم این بود که این واکسین یک برنامه‌ی امریکایی-غربی است و می‌خواهند اسلام را از بین ببرند.»

ناحیه هفتم منطقه‌ی دیگری است که در آن واکسیناتوران با ممانعت روبه‌رو شده‌اند. جواد خادمی علاوه بر ناحیه پنجم در ناحیه هفتم هم با مخالفت خانواده‌هایی روبه‌رو شده است که مایل نبودند کودکانشان را واکسین کنند: «یک‌بار وقتی دروازه خانه‌ی را تک‌تک کردیم تا کودکانشان را بیاورند واکسین کنیم، گفتند: بروید ما اصلا واکسین کار نداریم.»

نجیب‌الله خلیلی ۹ دور به‌عنوان واکسیناتور رضاکار در ولایت نامن غزنی واکسین پولیو تطبیق کرده است. او در این مدت توسط مردم محل و خانواده‌های که کودکانشان را برای واکسین می‌آورد توهین شده و حتا به او اتهام «جاسوس‌بودن» و «کافر بودن» هم زده شده است.

آقای خلیلی می‌گوید که در برنامه‌ی تطبیق واکسین پولیو روزانه به‌طور اوسط ۵۰۰ کودک واکسین پولیو دریافت می‌کردند و بعضی مواقع تا سه خانواده از واکسین کردن کودکانشان امتناع می‌ورزیدند: «در برنامه‌ی تطبیق واکسین پولیو خیلی از خانواده‌ها حتا دروازه‌شان را به روی ما باز نمی‌کردند. من شنیدم که می‌گفت: این‌ها کافرند.»

قلعه میرمحمد خان مربوط حوزه دوم امنیتی نزدیکی به مرکز ثقافت اسلامی منطقه‌ی بود که نجیب‌الله خلیلی در آن فعالیت می‌کرد.

مشکلاتی که بر سر دختر و خانواده‌اش آور شده، «فراموشی» گرفته است و چیزی خیلی کمی از چگونگی گرفتاری شریفه به «پولیو» به یادش مانده است.

مادر شریفه می‌گوید که او برای امرار معاش در خانه‌ی همسایه مشغول شستن لباس بود، وقتی به خانه آمد شریفه در تب شدید و ناشناخته‌ای می‌سوخت و برای این‌که تب دخترش پایین بیاورد به هر دزی زد اما نتیجه‌ای نگرفت: «وقتی خواستم شریفه را ایستاد کنم، نمی‌توانست. در آن زمان شفاخانه و دوا نبود، شاید اگر واکسین می‌بود پایش فلج نمی‌شد.»

آمار کودکان مبتلا به پولیو افزایش یافته؟

نزدیک به ۱۰ میلیون کودک هر سال به واکسین پولیو نیاز پیدا می‌کنند و از این میان یک‌ونیم میلیون کودک بنابر دلایلی از جمله ناامنی و تبلیغات منفی علیه واکسین پولیو نمی‌توانند این واکسین را دریافت کنند. بر همین اساس آمار ابتلا به ویروس «پولیو» سال گذشته نسبت به سال ۱۳۹۸ دوبرابر شده و به ۵۶ واقعه مثبت رسید.

۱۰ حمل امسال بعد از آن که سه زن در حین تطبیق واکسین پولیو در ولایت ننگرهار کشته شدند مردم قتل این سه زن را به تبلیغات منفی علیه واکسین پولیو مرتبط دانستند. اما غلام‌دستگیر نظری، سخن‌گوی وزارت صحت عامه در صحبت با روزنامه اطلاعات روز می‌گوید طبق معلومات ابتدایی و غیررسمی که این وزارت جمع‌آوری کرده این حمله کار داعش بوده است: «داعش با کارکردن واکسیناتوران زن که در حال گشت‌وگذار است مشکل دارد. به کارمندان صحتی که خانم هستند اختاریه داده بودند که کار نکنند.»

وزارت صحت عامه ضمن تأیید تبلیغات منفی علیه واکسین پولیو می‌گوید که این وزارت در تلاش است با همکاری شوراهای انکشافی قریه‌جات، بزرگان قوم در سطح ولایات و سکتورهای مثل وزارت حج و اوقاف تئوری توطئه یا تبلیغات منفی علیه واکسین پولیو را مهار کند.

به گفته‌ی سخن‌گوی وزارت صحت عامه هر سال جدا از مسائل مثل ناامنی ۶۰ هزار کودک صرف به‌دلیل مخالفت خانواده‌هایشان نمی‌توانند واکسین پولیو دریافت کنند.

طبق پلان و برنامه‌ی وزارت صحت عامه سالانه برای واکسیناسیون نزدیک به ۱۰ میلیون کودک ۷۸ میلیون دالر اختصاص می‌یابد و به‌طور اوسط هر سال ۹ دور واکسین در نظر گرفته می‌شود، سال قبل دلایل مثل کرونا، گسترش ناامنی و تبلیغات منفی باعث شد سه دور واکسین پولیو تطبیق نشود.

دولت جمهوری اسلامی افغانستان  
وزارت امور سرحدات و قبایل  
ریاست عمومی مالی و اداری



ریاست تدارکات  
امریت تدارکات

د افغانستان اسلامی جمهوری دولت  
د سرحدونو او قبایلو چارو وزارت  
د مالی او اداری معینیت

موضوع: اطلاعیه تصمیم اعطای ۱۹ قلم حبوبات و مواد خوراکه

شماره داوطلبی: MOBTA/1400/NCB/OPT/G006

به تاسی از فقره (۲) ماده چهل و سوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده می‌شود وزارت امور سرحدات و قبایل در نظر دارد پروژه تدارک ۱۹ قلم حبوبات و مواد خوراکه مورد ضرورت خویش را به (شرکت کشمی‌فرهمند لمیتد) دارای جواز نمبر ۱۰۶۵۵-۰۱۰۱-۰۱ نمبر تشخیص (۱۰۴۶۵۹۱۰۱۱) به قیمت مجموعی ۱۸,۸۵۱,۵۰۰ هجده میلیون و هشتصد و پنجاه و یک هزار و پنجصد افغانی حداقل و مبلغ ۲۲,۶۴۲,۳۵۵ بیست و دومیلیون و ششصد و چهل و سه هزار و سهصد و پنجاه و پنج افغانی حداکثر اعطا نماید.

اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند اعتراض خویش را از تاریخ نشر این اعلان الی هفت روز تقویمی طور کتبی توام با دلایل آن به ریاست تدارکات منزل تحتانی وزارت امور سرحدات و قبایل مکروریان سوم جوار ستره محکم، کابل افغانستان، وفق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارائه نمایند.

## هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان دریافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

Annual

120\$ USD

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکت‌ها

۴۰۰۰ افغانی

۷۰۰۰ افغانی

شش ماهه

یک ساله

قیمت: ۲۰ افغانی

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.



## ذاکر سلطانی

این روزها نوع نظام و آینده‌ی ساختار سیاسی افغانستان از مباحث داغ محافل سیاسی، روزنامه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است. تمرکز شدید قدرت در نظام ریاستی کنونی و پیامدهای جبران‌ناپذیر آن در دو دهه گذشته یکی از دلایلی مطرح‌شدن این مباحث به شمار می‌رود. کارشناسان به این باورند که تمرکز بیش از اندازه‌ی قدرت باعث شده افغانستان فرصت‌های زیادی را در عرصه سیاست، توسعه و امنیت از دست دهد.

از بحث‌های اخیر در رسانه‌های اجتماعی چنین به نظر می‌رسد که نه تنها شهروندان عادی که گاهی حتا سیاستمداران نیز درک درستی از توزیع قدرت ندارند. یکی از دلایل آن می‌تواند عدم دسترسی به منابع دسته اول در بحث توزیع قدرت باشد. زیرا در منابع موجود به زبان فارسی، به دلیل شرایط حاکم بر کشورهای همجوار زمینه‌ای بحث تمرکززدایی و توزیع قدرت وجود ندارد. به همین ترتیب در افغانستان نیز بحث توزیع قدرت حساسیت‌برانگیز و بعضاً قومی و تجزیه‌طلبانه پنداشته می‌شود. در نتیجه در این مورد منابع و اطلاعات لازم در اختیار مردم و مراکز آموزشی قرار نگرفته است.

در ابتدا باید یادآور شد که در میان موافقان و مخالفان توزیع قدرت و نوع نظام سیاسی اداری، عده‌ای نیز هستند که باور دارند نوع نظام تأثیر چندانی بر روند دموکراسی و توسعه ندارد. این گروه که طیف وسیعی از جامعه به شمول سیاست‌گران را شامل می‌شود با این استدلال که اگر رهبران سیاسی خوب و صادقانه عمل کنند همه چیز درست خواهند شد، در پی ساده‌سازی مسائل‌اند. با این وجود با تحولات چند سال اخیر، به‌خصوص تراکم شدید صلاحیت‌ها در اداره امور ریاست‌جمهوری این گروه نیز باید به این نتیجه رسیده باشند که ساختار متمرکز کنونی نه تنها مانع دموکراسی و توسعه بوده که فسادآور نیز است.

به‌رحال توزیع قدرت از ابتدایی‌ترین شرایط دموکراسی است، چیزی که می‌شود به صورت افقی از طریق تقسیم اختیارات و صلاحیت‌ها میان سه قوه (نظام پارلمانی) یا به صورت عمودی از طریق تمرکززدایی و فدرالیسم تأمین شود. این نوشته در پی بررسی روابط نهادی در نظام پارلمانی نیست بلکه بیشتر سعی می‌شود به نتایج عملی توزیع اختیارات و صلاحیت‌ها به صورت افقی در چارچوب نظام پارلمانی پرداخته شود. سعی بر این است که به ابهاماتی که وجود دارد پرداخته شود و نکات تازه‌ای در این رابطه مطرح شود.

نظام پارلمانی سازوکاری را پیش‌بینی می‌کند که مانع تجمع قدرت در یک فرد یا نهاد می‌شود. کمترین کمکی که نظام‌های پارلمانی در زمینه توزیع قدرت می‌کنند این است که به جای یک نهاد تصمیم‌گیر دو نهاد (قوه مقننه و اجراییه) قدرت را در اختیار می‌گیرند و در رأس قوه اجراییه نیز به جای

## آیا نظام پارلمانی بهتر است؟



خود باقی بمانند. به گونه‌ای که اگر حزب بزرگتر به تعهدات خود در برابر شرکای سیاسی خود وفا نکند ریسک انحلال کابینه و از دست‌دادن کل قدرت را ممکن است در پی داشته باشد. در حالی که در نظام ریاستی کنونی وعده‌های متعدد صورت می‌گیرد ولی فردای انتخابات رییس‌جمهور ممکن است به گروه‌های شریک پشت کند و به وعده‌های قبل از انتخابات خود وفا نکند. در نتیجه در نظام ریاستی کنونی جز توصیه اخلاقی هیچ ضمانتی برای وادار کردن و وفای به تعهدات سیاسی وجود ندارد. به این دلیل نظام پارلمانی تأمین‌کننده بهتر عدالت سیاسی نیز است.

عده‌ای بی‌ثباتی نظام پارلمانی را به عنوان یک نقیصه مطرح می‌کنند. به این دلیل که در نظام پارلمانی گاهی ممکن است کابینه واحد نتواند تا آخر دوره کاری دوام بیاورد. این امر ممکن است ناشی از اختلافی باشد که میان شرکای قدرت به میان می‌آید و اگر حل و فصل نشود منجر به انتخابات زودرس و تشکیل کابینه تازه می‌شود. اگر راهکاری باشد برای حل اختلافات احتمالی در داخل قدرت و مجبورساختن شرکای قدرت به وعده‌های انتخاباتی و نیز پاسخ‌گو ساختن آن‌ها در برابر رأی‌دهندگان. در حالی که در نظام ریاستی کنونی هر مشکلی به میان بیاید، راه حلی ساده‌ای برای رفع مسأله و پاسخ‌گو ساختن رییس‌جمهور تا پنج‌سال آینده وجود ندارد. در نهایت مخالفین و شهروندان ممکن است دست به اعتراض‌های خیابانی بزنند که گاهی منجر به اعتراضات خونین و حتا کودتا شود. در مقابل نظام پارلمانی با انحلال کابینه راه‌حل ساده‌تری برای این بن‌بست از طریق تغییر کابینه پیش‌بینی می‌کند در حالی که بقیه نهادهای دولت همچنان پابرجا می‌ماند. از این لحاظ می‌توان گفت که نظام پارلمانی تضمین‌کننده ثبات بیشتری برای دولت به صورت کل است. نمونه خوب آن نظام پارلمانی سالهای ۱۹۶۳-۷۳ است که پنج صدراعظم روی کار می‌آیند در حالی که نظام در کلیت خود همچنان پا برجاست و به فعالیت‌های عادی خود ادامه می‌دهد.

یکی از روش‌های دیگری که می‌تواند ما را در این زمینه کمک کند مشاهده عینی ما از گزینش نظام‌های تازه تأسیس در سطح جهان است. می‌شود آخرین پنجاه کشور تازه تأسیس یا پسا جنگ که به میان آمده یا تغییر نظام داده را مورد نظر گرفت. مؤسسی این کشورها طبعاً با بررسی دقیق خواسته‌اند بهترین نوع نظام را برای کشور مورد علاقه‌ی خود انتخاب کنند تا تضمین‌کننده حکومتداری بهتر، توسعه و رفاه برای آن‌ها و مردمان آن سرزمین باشد. این فهرست شامل نظام‌های ریاستی و پارلمانی، با شرایط متفاوت جغرافیایی و اتنیکی می‌شود اما در بخش بزرگی این لیست نام کشورهای به چشم می‌آیند که نظام پارلمانی را برگزیده‌اند.

اکثر باشندگان یک حوزه انتخاباتی به دلیل تعلقات قومی حامیان یک کاندید باشند و امکان نظارت برای کاندیدهای دیگر از روند انتخابات در آن محل دشوار یا نامقدور باشد. چنین وضعیتی به صورت طبیعی شفافیت انتخابات را زیر سوال می‌برد و بستر تقلب‌های گسترده و سازمان‌یافته را فراهم می‌کند. اما در نظام پارلمانی به این دلیل که از هر حوزه مشخص افراد متعدد و احزاب مختلف روی کرسی‌های مربوط به همان حوزه رقابت می‌کنند امکان نظارت محلی بهتر از روند انتخابات وجود دارد. به گونه‌ای که اگر دو یا چند نفر حتا از یک گروه قومی در حوزه انتخابی مشخص کاندید باشند از جریان انتخابات و فعالیت‌های یکدیگر با جدیت نظارت خواهند کرد.

آن‌گونه که فلاسفه‌ی یونان استدلال می‌کردند آب زیاد نسبت به آب کم دیرتر فاسد می‌شود. اعضای انتخاب‌شده پارلمان چون تعدادشان زیاد است ممکن است دیرتر از رییس‌جمهور، که یک فرد است، فاسد شوند. ضمناً نظام پارلمانی نخبه‌گراتر است، به گونه‌ای که احزاب سعی می‌کنند بهترین اعضای خود را کاندید کنند. از میان نمایندگان در پارلمان نیز طبعاً خوبترین‌های احزاب برای احراز کرسی وزارت پیشنهاد خواهند شد. این‌گونه ضمن این‌که نمایندگان شایسته‌تر به پارلمان راه می‌یابند با چند مرحله فلتز افراد تواناتری از میان آنان متصدی کرسی وزارت‌ها و ادارات در قوه اجراییه خواهند شد.

یکی از مهمترین امتیازات نظام پارلمانی وجود ضمانت اجرا در تعاملات و داد و ستدهای سیاسی است. به گونه‌ای که هرگاه ائتلافی میان دو حزب شکل می‌گیرد، هر دو طرف مجبور اند تا آخر پای تعهدات

و کوزوو تعداد کرسی‌های مشخص برای اقلیت‌های قومی پیش‌بینی شده تا تأمین‌کننده تنوع اجتماعی و قومی این جوامع باشند.

هرچند تضمینی وجود ندارد که هر نظام پارلمانی قطعاً بهتر از نظام‌های ریاستی عمل کند اما مطالعاتی در این راستا صورت گرفته که از کارکرد بهتر نظام پارلمانی خبر می‌دهد. دانشگاه بوستون ایالات متحده مطالعه تطبیقی از کارکرد عملی نظام‌های پارلمانی با نظام ریاستی انجام داده است که در نوع خود یکی از جامع‌ترین کارهای تحقیقی در این زمینه است. این پژوهش ۳۵ صفحه‌ای که به صورت آنلاین نیز قابل دسترس است با بهره‌گیری از اطلاعات در سطح جهان در پی بررسی رابطه میان معیارهای تاریخی نظام پارلمانی و چهارده شاخص سیاست‌گذاری در سه عرصه‌ی توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی و توسعه انسانی می‌باشد. این پژوهش دریافته که یک رابطه بسیار نیرومند میان نظام پارلمانی و حکومتداری خوب، به ویژه در دو عرصه توسعه اقتصادی و توسعه انسانی وجود دارد. براساس این بررسی نظام پارلمانی امتیازهای بیشتری را نسبت به نظام ریاستی پیشنهاد می‌کند.

نظام‌های پارلمانی همچنان می‌توانند تأمین‌کننده شفافیت بهتر در انتخابات باشند. در فضای ریاستی کنونی گاهی ممکن است

یک فرد دو فرد رییس‌جمهور و صدراعظم، با تفاوت در صلاحیت‌ها قرار می‌گیرند. در عمل به جای یک رهبر سیاسی انتخابی (رییس‌جمهور) به تعداد اعضای پارلمان تصمیم‌گیرندگان سیاسی با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شوند.

در یک نظام پارلمانی احزاب در داخل پارلمان به یاریگیری سیاسی می‌پردازند. معمولاً یک حزب نمی‌تواند حکومت تشکیل دهد. خلاف برداشتی که امروزه در برخی محافل سیاسی وجود دارد معمولاً دو حزب قدرت‌مند اول و دوم وارد ائتلاف با همدیگر نمی‌شوند بلکه حزب اول در پی تشکیل حکومت با حزب سوم و چهارم (نظر به نیازمندی به تعداد رأی) می‌باشند. در نظام پارلمانی تمام احزاب فعال‌اند زیرا آرای کوچکترین حزب نیز برای تشکیل حکومت می‌تواند تعیین‌کننده باشد.

در نظام‌های پارلمانی به صورت طبیعی احزاب قوی و فراگیر شکل می‌گیرند. روند رقابت در پارلمان به گونه‌ای است که احزاب برای رسیدن به قدرت سعی در گرفتن رأی از تمام حوزه‌های انتخابی می‌نمایند. البته این بدان معنا نیست که احزاب کوچکتر نتوانند به قدرت سیاسی دست یابند. احزاب می‌توانند تحت هر پلتفرم شکل بگیرند و حافظ منافع اقلیت‌های فکری، فرهنگی و مذهبی باشند. به همین دلیل در برخی کشورهای با تنوع قومی مانند صربستان

آن‌گونه که فلاسفه‌ی یونان استدلال می‌کردند آب زیاد نسبت به آب کم دیرتر فاسد می‌شود. اعضای انتخاب‌شده پارلمان چون تعدادشان زیاد است ممکن است دیرتر از رییس‌جمهور، که یک فرد است، فاسد شوند. ضمناً نظام پارلمانی نخبه‌گراتر است، به گونه‌ای که احزاب سعی می‌کنند بهترین اعضای خود را کاندید کنند.



## فروشگاه F45

# افتتاح شد!

سرک عمومی قلعه فتح الله، بین سرک ۸ و ۹، سعادت پل، کابل - افغانستان.

www.f45.af/info

